

باز این سوره است پس چرا حسرت علم است؟

عاشورا، سرمایه جاودان

امسال بیشترین روزهای آذرماه شمسی در ماه محرم و دهه عاشورا سپری می‌شود؛ از این رو نمی‌توان از آن گذشت و سخنی درباره این «واقعۀ» بر قلم نراند؛ واقعۀی که نه تنها بخشی از تاریخ اسلام است، که بار تمامی تاریخ شیعه را نیز بر دوش می‌کشد. ماجرای «عاشورا» و آنچه در این واقعۀ بر فرزندان گرامی رسول الله (ص) گذشت، دو وجه دارد؛ وجه فرهنگی و وجه دینی، که وجه اخیر همه ابعاد عقیدتی، انسانی، اخلاقی و مبارزاتی این ماجرا را در خود دارد. میان وجه فرهنگی و وجه دینی واقعۀ عاشورا تفاوتی وجود دارد که تأمل در آن می‌تواند ما را به شناخت حقیقت نهضت حسینی و گام نهادن در آن، بیش از پیش رهنمون باشد. وجه فرهنگی ماجرای عاشورا همان است که به گونه یک سنت یا رفتار در تار و پود زندگی اجتماعی و تاریخی ما شیعیان ریشه دوانده و طی سیزده قرنی که از آن می‌گذرد، بویژه از عصر صفویه تا امروز، به نوعی سلوک یا رفتار در حیات دینی و اجتماعی مان بدل شده است. نسل‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند و این عظیم‌ترین فاجعه تاریخ اسلام، بل تاریخ بشر را، پاس می‌دارند و در بزرگداشت آن می‌کوشند. نیاکان ما، برای شهیدان نهضت کربلا، چه بسیار گریسته‌اند، مرثیه‌ها خوانده‌اند، شعرها سروده‌اند، روضه‌ها خوانده‌اند، تعزیه‌ها گرفته‌اند، دسته‌ها راه‌انداخته‌اند، نذر و نیاز و اطعام کرده‌اند، از کار و کسب خود دست کشیده‌اند، از دور و نزدیک به زیارت شهدا رفته‌اند و... هرگز نگذاشته‌اند یاد و خاطره این نهضت بزرگ به فراموشی سپرده شود و لذا این نهضت ادامه دارد. این‌ها همه اما همان وجه فرهنگی و تاریخی ماجراست؛ پس وجه دینی آن چیست؟

وجه دینی واقعۀ عاشورا که در واقع جوهره این نهضت را می‌سازد، از نوعی دیگر است و از اصالتی برخوردار است که فراتر از هر مردم و ملتی و هر عصر و روزگاری، مصباح هدایت و سقیۀ نجات خواهد بود. این وجه ماجرا همان است که حضرت سیدالشهدا (ع) تمام هستی خود و خاندان و یارانش را بر سر آن گذاشت تا بماند، و آن «دین محمد» بود.

اِنَّ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمِ الْاَبْقَاتِلَى فَيَأْسُوفُ حُذَيْنَى: اگر دین محمد جز به کشته شدن من برجا نمی‌ماند، پس ای شمشیرها بر من فرود آید!

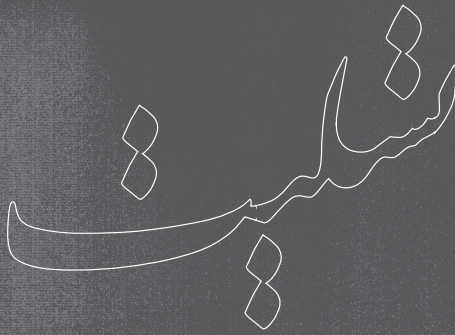
دین محمد چه بود جز آن چه خدا به رسول خود وحی نمود و از پرتو آن در اندک زمانی جهان را دگرگون ساخت و آن دگرگونی، خود آغازی برای تجدید حیات بشریت شد و مسیر دیگری را برای انسان رقم زد. همان دینی که جاهلیت را زدود، انسان را خلیفه خدا دانست، دانش و آگاهی، اخوت و برادری، سلم و دوستی، امانت و درستی، صلح و راستی، تعاون و نوع دوستی، زهد و تقوا و... و در یک کلمه «توحید» را گسترش داد. همین وجه دینی عام یا جوهره اساسی نهضت حسینی بود که حتی شخصی مانند مهاتما گاندی را که خارج از این فرهنگ می‌زیست، در قرن بیستم بر آن داشت تا بگوید: «من زندگی امام حسین، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا کرده‌ام. بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد پیروز شود، باید از همان راهی برود که امام حسین رفت.»

بی‌تردید، فرهنگ عاشورا در جامعه ما چنان نهادینه شده است که هیچ قدرتی را یارای رویارویی با آن نیست، اما جوهر نهضت حسینی یا همان «وجه دینی» نهضت، که فراتر از وجه فرهنگی آن است، به هشیاری و آگاهی علمی، دینی و انسانی بیشتری نیاز دارد تا پایدار بماند و به اصلاح جامعه بینجامد؛ آن اصلاحی که مدنظر سید شهیدان کربلا، امام حسین (ع) بود.

ما معلمان در این جایگاه مسئولیت ویژه‌ای داریم. خوش بختانه در عصر حاضر، عالمان، معلمان و مجاهدان بزرگی در ایران ظهور کردند که به جوهره نهضت حسینی بیش از پیش توجه نشان دادند و اینان همان‌ها بودند که با مجاهدت‌ها و مبارزات بی‌امان خود توانستند طی چند دهه، جان‌مایه این نهضت، یعنی همان «وجه دینی» ماجرا را از دل تاریخ و فرهنگ ما استخراج و بازخوانی کنند که حاصل آن انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بود.

فاجعه‌های مکرر در مدرسه‌های ما

لابد می‌دانید که در یکی از روزهای سال 1387، محمود واعظی‌نسب، آموزگار مدرسه شهیدای ابراهیمی نیشابور، دانش‌آموزان خود را به اردویی تفریحی به اردوگاه شهید رجایی برده بود. بچه‌ها مشغول بازی فوتبال بودند که تویی به تیرک دروازه خورد و چیزی نمانده بود که تیرک روی دانش‌آموزی بیفتد. واعظی‌نسب که خطر را نزدیک دید، ناگهان به جلو پرید تا مانع از سقوط تیرک شود. اما تیرک به سر خودش خورد و جان او را گرفت. خبر این ماجرای



فرارسیدن عاشورای حسینی را به
 رهروان سیدالشهدا و ازادگان و
 ازادمردان تسلیت می‌گوییم.

در صفت کربلا
 و نسیم مشهد
 معظم

حبّذا کربلا و آن تعظیم
 کز بهشت آورد به خلق نسیم
 وان تن سربریده در گل و خاک
 وان عزیزان به تیغ دلها چاک
 تیغ‌ها لعل‌گون ز خون حسین
 چه بود در جهان بتر زین‌شین
 زخم شمشیر و نیزه و پیکان
 بر سر نیزه سر به جای سنان
 آلیاسین بداده یکسر جان
 عاجز و خوار و بی‌کس و عطشان
 مصطفی جامه جمله بدریده
 علی از دیده خون بباریده
 فاطمه روی را خراشیده
 خون بباریده بی‌حد از دیده
 حسن از زخم کرده سینه کبود
 زینب از دیده‌ها برانده دو رود
 شهربانوی پیر گشته حزین
 علی‌الاصغر آن دو رخ پرچین
 عالمی بر جفا دلیر شده
 رویه مرده شرزه شیر شده
 کافرانی در اول پیکار
 شده از زخم ذوالفقار فکار
 همه را بر دل از علی صد داغ
 شده یکسر قرین طاعی و باغ
 کین دل بازخواست ز حسین
 شده قانع بدین شماتت و شین

حکیم ستایی غزنوی

زیرنویس

حبّذا: خوشا

شین: عزا

طغانی: شورشگر

باغ: متجاوز

غم‌انگیز همان روزها در همه جا پخش شد. هنوز هم می‌توانید شرح حال آن معلم ایثارگر را در اینترنت جست‌وجو کنید. متأسفانه، این ماجرا باز هم در جاهای دیگر تکرار شده است که یکی از آنها همین امسال، به فوت دانش‌آموزی در استان لرستان انجامید. روزی در شهر یورماه گذشته، یکی از همکارانمان به نام حسین پیریایی - مقاله‌ایشان را در همین شماره می‌خوانید - به دفتر مجله مراجعه کرد. ضمن صحبت‌هایش معلوم شد که از غمی جانکاه رنج می‌برد و قصد دارد برای تشفی خاطر خود، در صورت امکان، از شهر خود، بروجرود، نقل مکان کند. شرح ماجرا را که از او جویا شدیم، گفت: فرزندی داشتم به نام «احسان پیریایی» که در سال اول متوسطه درس می‌خواند؛ دانش‌آموزی ممتاز، قاری قرآن و در آستانه کمال. تا این که در روز چهارم اردیبهشت امسال، هنگام بازی فوتبال در مدرسه، تیرک دروازه روی او سقوط کرد و جانش را گرفت.

پدر احسان می‌گفت، محکم کردن تیرک دروازه در زمین مگر چه قدر هزینه دارد که کسی به فکر نمی‌افتد یا نصب آن‌ها در زمین، از تکرار این گونه اتفاقات جلوگیری کند؟ چه کسی مسئول است؟ اداره، مدیر مدرسه، معلم، معلم ورزش و...

امیدواریم این چند عبارت که به ضرورت در این سرمقاله می‌آید، موجب شود دیگر بازی‌بچه‌ها به عزا تبدیل نشود. شاید در این میان دبیران و مربیان ورزش و تربیت‌بدنی نقش و مسئولیت بیشتری داشته باشند.

دوره‌های غیرحضور

همان‌طور که در جریان امر هستید، قرار بر این بود که ما مجموعه مقالاتی را در دومین شماره رشد معلم چاپ کنیم تا به عنوان متن امتحان ضمن خدمت غیرحضوری در «دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت» مورد استفاده کلیه معلمان قرار گیرد. عنوان دوره مربوط، «حقوق اجتماعی، آموزشی و اداری معلم» است و چگونگی ثبت‌نام و برگزاری امتحان، از سوی «مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی» اعلام می‌شود. آنچه شایان ذکر است این که مقالات مزبور در دو شماره ۲ و ۳ با این عنوان‌ها، و با علامت ستاره (*) چاپ شده است.

۱. حق چیست؟ (محمدعلی موحد) در شماره ۲
۲. مسئولیت‌ها و حقوق مدنی معلم (علی اکبر شعاری‌نژاد) در شماره ۲
۳. معلمان و توسعه حرفه‌ای (سید یوسف حجازی و...) در شماره ۲
۴. آموزش و پرورش و جهاد اقتصادی (فرحناز قاسمیان) در شماره ۲
۵. به‌سازی نظام تربیت، جذب و نگه‌داری معلم (احمد صافی) در شماره ۳
۶. مقام معنوی معلم (محمد رضا عطایی) در شماره ۳

یادآوری می‌کنیم، در شماره ۴، مقالاتی درباره «جهانی شدن و آموزش و پرورش» خواهد خواند که موضوع یکی دیگر از دوره‌های مذکور است.

سر دبیر